



# انترناسیونال ۳۴۶

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۳۰ آوریل ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

## شنبه یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر، در تهران و همه شهرها وسیعا به خیابان بیابید!

حکومت مفلوک اسلامی را خنثی خواهد کرد.  
زنده باد اجتماعات هرچه وسیعتر اول ماه مه!  
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!  
سرنگون باد جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۲۷ آوریل ۲۰۱۰

یازده اردیبهشت در تهران مقابل وزارت کار و در شهرهای مختلف در برابر ادارات کار و استانداریها و مراکز دیگری که کارگران اعلام کرده اند، به اجتماعات روز کارگر بیونید. با پرچم خواسته های بحق و عادلانه ای که کارگران در قطعنامه خود طرح کرده اند، خیابانها را به تسخیر خود در آورید و انقلاب علیه جمهوری اسلامی را به پیش رانید. حضور وسیع و گسترده شما تمام تلاش و ترفند های

قدرتمند، آزادیخواهانه و برابری طلبانه بر علیه جمهوری اسلامی ضروری نبوده است.  
شما کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، دانش آموزان و همه زنان و مردان آزاده را فرامیخوانیم که در این روز، روز اتحاد جهانی صف انسانیت علیه بربریت، در سراسر کشور به میدان آیید. عصر روز شنبه

زنان و مردان آزاده!  
با نزدیک شدن اول ماه مه روز جهانی کارگر جنب و جوش وسیعی محیط های کارگری و سراسر جامعه ایران را فرا گرفته است. روز کارگر هیچگاه چنین مورد توجه جوانان و توده های وسیع مردم و حائز اهمیت سیاسی نبوده، و هیچگاه چون امروز برپایی یک اول مه



### سخنرانی مینا احدی در افتتاحیه فستیوال سینما زیرو در ایتالیا

سخنرانی در این فستیوال دعوت شده بود مینا احدی بود. او روز ۱۴ آوریل (۲۵ فروردین) سخنرانی داشت و پیش از سخنرانی او شهردار شهر "پوردونونه" شهری که بنام و یاد

توضیح: دو هفته پیش فستیوال سینمایی ای در "سینما زیرو" در ایتالیا برگزار شد که بخش اول و افتتاحیه آن در مورد "ایران و جنبش انقلابی مردم ایران" بود. یکی از شخصیتهایی که برای

### جنب و جوش بی سابقه اول مه در ایران

مراکز کارگری و در دانشگاهها و در میان بخش های مختلف مردم و در همه شهرها سخن از برپایی مراسم اول مه است. قرار مدارها گذاشته شده است. میگویند جلوی وزارت کار و

شهلا دانشفر  
فردا اول ماه مه روز جهانی کارگر است. از هم اکنون میتوان مشاهده کرد جنب و جوش گسترده و نسبتا بی سابقه ای در جریان است. همه جا، در همه

صفحه ۳

### بله آقای نبوی این عین اسلام است

ایدئولوژی اسلامی را با حمله به مسلمانان یکی قلمداد کند. برای ما البته این موش و گربه بازی و تحریف حقایق آشنا است. اسلامها هر وقت کم میآورند سعی میکنند کلاه دمکراسی برای اسلام بدوزند. و اسلام و

محمد آسنگران  
ابراهیم نبوی در نوشته ای به اسم "آیا این اسلام است" نقد گفته های یک جوان علیه اسلام را بهانه ای برای دفاع از اسلام عزیزش کرده است. البته نبوی در این نوشته تلاش میکند که نقد

صفحه ۹

### "به تو مربوط نیست"

شرکت بیش از دو هزار نفر در لبنان شکل گرفت که در نوع خودش در منطقه بی نظیر بود. بنا به این گزارش "تظاهرکنندگان در لبنان خواستار نظام سکولار

یاشار سهندی  
بر اساس گزارشهای منتشر شده در روز یکشنبه ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) تظاهراتی با

صفحه ۸

### فشار تحریم اقتصادی جدی تر میشود

کاظم نیکخواه

در حالیکه کشاکش بر سر مساله اتمی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی ادامه دارد و آمریکا و کشورهای عضو دائمی شورای امنیت به توافقاتی با چین و روسیه نیز دست پیدا کرده اند، تا قطعنامه تازه ای را علیه ایران به تصویب برسانند، اما آنچه عملا دارد با جدیت بیشتری نسبت به قبل پیش میروند تحریم های اقتصادی است. طی ماههای اخیر سنا و کنگره آمریکا مقررات سختگیرانه تری را نسبت به شرکتهایی که با ایران ارتباط دارند تصویب کرده اند. گروههایی از سیاستگزاران و سرمایه داران آمریکایی بشدت مشغول برنامه ریزی و فعالیتهای گسترده بین المللی برای مانع ایجاد کردن بر سر راه شرکتهای تجاری مرتبط با ایران هستند. و این تلاشها بطور جدی موثر بوده است. تحریمهای اقتصادی آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی از زمان جرج بوش در جریان بوده است و علیرغم شانه بالا انداختن مقامات ایران، فشار سنگینی را بر اقتصاد بحران زده ایران اعمال کرده

صفحه ۲

### بازتاب هفته

وزیر کار سابق و حقوق کارگران  
محمد شکوهی  
حیوان، فسیل آخوند  
غلام اکبری  
حملات فاشیستی به مهاجران افغان در مهریز  
بهر روز مهر آبادی  
دلارا در قلب همه ماست  
هوشیار سروش

صفحات ۶-۴

### در صفحات دیگر

مقبره و زیارتگاه نه، خیابان  
شاهلا دانشفر، صفحه ۳  
پاسخی به سران سازشکار کانون صنفی معلمان  
شیوا محبوبی و سخنرانی در دانشگاه گلدسمیت لندن  
مارش اول مه در خاراج کشور صفحه ۱۰  
فراخوان ده تشکل کارگری ایران صفحه ۱۲  
بیانیه ده تشکل کارگری به مناسبت ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده در محیط کار، صفحه ۱۰  
گفتگویی با یک کارتون خواب  
پرویز پویا (ایران)، صفحه ۹

## زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

## فشار تحریم اقتصادی ...

از صفحه ۱



است. اما هیچگاه به اندازه چند ماهه اخیر این تحریمها جدی عمل نکرده است. طی چند ماهه اخیر بسیاری از شرکتهای بین المللی مهمی که با ایران در ارتباط بوده اند زیر فشارهای آمریکا رسماً فعالیت خود را تعطیل کرده اند. آخرین آنها شرکت ایتالیایی "انی" است که یک کنسرسیوم بزرگ نفتی است و روز گذشته اعلام کرد که به فعالیت خود در حوزه نفتی دارخوین در ایران پایان میدهد زیرا "این خطر وجود دارد که از جانب آمریکا مورد تحریم قرار بگیریم". تحریمها در شرایط کنونی عمدتاً حوزه نفتی را شامل میشود و شرکتهای نفت و گاز هستند که یکی پس از دیگری فعالیت خود را تعطیل میکنند. اما فقط به این حوزه محدود نیست. بسیاری از شرکتهای تجاری و خدماتی و تولیدی و ماشین سازی، یا اخیراً سرمایه گذاری و مراودات خود

با ایران را قطع کرده اند یا در پروسه تعطیل آن هستند. علاوه بر این حتی شرکتهای خدماتی، شرکتهای بیمه، ماشین سازی و شرکتهای تجاری وارداتی و صادراتی فعالیت در ایران را تعطیل میکنند. جنرال الکتریک، دایملر، کاترپیلار، هاتنرمن، زیمنس، چند نمونه از شناخته ترین شرکتهایی تولیدی هستند که پس از سالها فعالیت در ایران خود را از حوزه پردرد سر ایران بیرون میکشند. در حوزه نفتی میتوان به نام شرکتهای نفتی مهمی نظیر توتال، رویال داچ شل، لاک اویل، پرایس واتر هاوس کوپرز، شرکت دولتی نفت مازیا، و شرکتهای عظیم دیگری اشاره کرد. در مجموع بنا به یک برآورد نیمی از درآمد اقتصادی ایران از مراودات اقتصادی با ۴۱ شرکت و کنسرسیوم بزرگ بین المللی است و طی همین چند ماه اخیر بسیاری از این شرکتهای ترس از دست دادن درآمدهای بین المللی خود، به فعالیت اقتصادی در ایران پایان داده اند. میتوان گفت که به دلایل متعددی این اولین بار است که سیاست تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران بطور جدی دارد عملی میشود.

فشار تحریمهای اقتصادی بر اقتصاد از هم گسیخته ایران بسیار جدی است. سران جمهوری اسلامی

خود را به بی خیالی میزنند و آنرا ناچیز قلمداد میکنند. اما صداهایی حتی از بالای حکومت شنیده میشود که این اقتصاد دیگر کار نمیکند. در حال فروپاشی است. اعتراف کرده اند که تولید کارخانجاتی که هنوز تعطیل نشده اند زیر ۳۰ درصد است. بسیاری از کارخانجات به دلیل نداشتن مواد اولیه و تجهیزات لازم تعطیل میشوند. اینجا قصد و فرصت وارد شدن مشروحت به وضعیت اقتصاد ایران تحت حکومت اسلامی را ندارم. آنچه میخواهم اشاره کنم چشم انداز تیره و تاری است که این وضعیت در برابر کارگران و مردم محروم قرار داده است. دولت آمریکا و شرکای اروپایی و بین المللی آن، از این تحریمها اهداف سیاسی و اقتصادی خود را دنبال میکنند، و حکومت اسلامی نیز حیات و ممانش به سیاستهایی گره خورده است که این تنش های بین المللی را ایجاد کرده است و فشار این تحریمها را برگرداند کارگران و مردم انداخته است. سیاست هیچکدام از دوسوی این کشاکش ربطی به مردم ندارد بلکه دقیقاً علیه مردم است. قربانیان مستقیم این تحریمها در درجه اول کارگرانند. هم اکنون نرخ بیکاری چیزی در حدود بیست و پنج درصد است. میلیونها نفر از کارگران

بیکارند، و هرروز اخراج سازهایی گسترده ای صورت میگیرد که زندگی هزاران خانواده کارگری را با در هم ریختگی و فقر و مشقت غیر قابل تحملی مواجه میکند. میلیونها جوان آماده بکارند اما کاری برایشان وجود ندارد. گرانی و تورم به نحو افسار گسیخته ای افزایش می یابد. هم اشتغال و هم دستمزدها و هم شرایط کار هرروز بدتر و بدتر میشود. اما فقط کارگران نیستند که زیر فشار این تحریمهای اقتصادی بیش از پیش مجال میشوند. کل اقشار پایینی و فقیرتر جامعه، با ادامه تحریمهای اقتصادی و در شرایط نبود هیچگونه تامین اجتماعی، به فلاکتی غیر قابل تصور رانده میشوند. مساله اینست که کشاکش بین المللی جمهوری اسلامی تا زمانی که این حکومت بر سر کار است ادامه خواهد داشت. این را ما بارها در برابر کسانی که ساده اندیشانه تصور میکردند با روی کار آمدن اوپاما در آمریکا و سیاستهای او این کشاکشها و تنشها پایان خواهد پذیرفت تاکید کرده ایم. و بازم تاکید میکنیم که حتی خطر درگیریهای نظامی نیز برخلاف تصور کوتاه نگران منتفی نیست. اما جنگ اقتصادی کنونی خود دارد جدی تر و نگران کننده تر میشود. این جنگ هم اکنون

دارد از مردم قربانی میگیرد. نه فقط نفس این فشارهای اقتصادی و ورشکستگی ها به ناپود شدن زندگی بسیاری از کارگران و مردم می انجامد، بلکه خود بهانه و اهرمی در دست حکومت اسلامی است که تعرضاتش را به کارگران و مردم بیشتر کند. حکومت اسلامی و دولت احمدی نژاد با "جراحی اقتصادی" و زدن از سوسیدها میخواهد بحران اقتصادی را حل کند و درعین حال به جنگ تحریمها برود. این به معنای اینست که مردم محروم از دوسو مورد حمله ای عظیم قرار گرفته اند. یکی فشار تحریمهای اقتصادی بین المللی است، و دیگری بالا کشیدن سوسیدها و چندین برابر شدن قیمتها با سیاست جراحی اقتصادی جمهوری اسلامی است. در این زمینه باید بسیار بیشتر سخن گفت. اما اینجا همینقدر اشاره کنم که راهی که مردم در پیش گرفته اند، یعنی به زیر کشیدن جمهوری اسلامی با انقلاب خویش تنها راه عملی برای نجات از گرسنگی و گرانی و بیکاری و فقر و مشقت است. فقر و مشقتی که هم اکنون کمر شکن است و با هر روز ادامه عمر منحوس این حکومت سنگین تر خواهد شد. \*

## نامه به جنیفر مک کرایت در ارتباط با زلزله سینه زنان

در واکنش به ادعای کاظم صدیقی در مورد اینکه عامل زلزله بیحجابی زنان است، دختری آمریکایی به نام جنیفر مک کرایت در وب لاگش زنان در سراسر جهان را فراخواند که در روز ۲۶ آپریل (۱۶ اردیبهشت) با سینه های باز به خیابان بیایند و چرندیات آخوندهای ایران را به آزمایش بگذارند. این فراخوان با استقبال جهانی گسترده و میلیونی و به یک کمپین جهانی علیه حکومت ضد زن جمهوری اسلامی و قوانینش تبدیل شد. نامه زیر در تاریخ ۲۹ آپریل در ارتباط با این ابتکار جنیفر نوشته شده است.

### جنیفر عزیز

این نامه را بخاطر تبریک به تو بخاطر ابتکار جالب Boobquake برایت مینویسیم. بعنوان امضا کنندگان "بیانیه آزادی زنان در ایران" و ایران سولیداریتی عمیقاً معتقدیم که ابتکار تو حرکتی بسیار مهم در دفاع از حقوق زن و حرمت بشر بود. این حرکت بویژه از این نظر حایز اهمیت است که بسیاری از فمینیستهایی که نظریه نژادپرستانه نسبییت فرهنگی را پذیرفته اند- در این مورد- کاملاً سکوت کرده اند. همان نظریه ای که موقعیت فرودست زنان را خواست داوطلبانه خودشان قلمداد میکند. این در حالیست که زنان در همه جا خواهان زندگی در شرایطی با استانداردهای قرن ۲۱ هستند و نه در شرایط قرون وسطا، به

همین دلیل ابتکار تو با استقبال بسیار وسیعی در ایران روبرو شد. این خود انعکاس قدرت جنبش آزادی زن و نقش زنان در رهبری بسیاری از حرکات اعتراضی جاریست. نقطه نظرات حجت الاسلام کاظم صدیقی در جمهوری اسلامی - نظرات یک مرد مجنون نیست- بلکه اینها قوانین جاری آن جامعه است. بعنوان مثال - بر اساس قوانین شریعه - شهادت ۲ زن در دادگاه معادل شهادت یک مرد است. زنان نمیتوانند قاضی باشند و برای مسافرت و کار خارج از خانه احتیاج به اجازه از "شوهران" دارند. هنوز زنان را به خاطر رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار میکنند. درست مثل آفریقای جنوبی یک سیستم آپارتاید جنسی علیه زنان

## پاسخ جنیفر

مریم!

از نامه صمیمانه و پشتیبانی شما بسیار ممنوم. راستی نمیتوانم توصیف کنم که برایم چقدر مهم است وقتی که میفهمم من هم ذره ای کمکی کرده ام. دیدم که این نامه را علنی در وب لاگ خود درج کرده ای اما برای محکم کاری میخواستم پرسیم که آیا از نظر شما ایرادی ندارد اگر من این نامه را در معرض دید خوانندگان خود قرار دهم؟ فکر میکنم بسیاری از مردم خوشحال میشوند وقتی که می بینند تو و دیگر فعالین جنبش زنان از ایده من



پشتیبانی کرده اید.

بازهم از شما بسیار ممنوم. به تلاش ارزشمند خود ادامه دهید. ممکن است من توانسته باشم توجه ها را به برخی مسائل جلب کرده باشم، اما این شما هستید که پیشرفت واقعی را ایجاد میکنید.

جنیفر - ۲۹ آپریل

مانیفست آزادی زن نیز ضمیمه است و میتوانی آنرا امضا کنی و برای دیگران نیز بفرستی بااحترام:

مینا احدی: کمیته بین المللی علیه اعدام  
مهین علیپور: حقوق برابر همین حالا - سازمان زنان علیه تبعیض  
شهلا دانشفر: حقوق برابر همین حالا- سازمان زنان علیه تبعیض

حرکت تو- موجب دلگرمی بیشتر جنبش آزادی زنان در ایران گشته و سازمانیابی جنبش مقابل با رژیم اسلامی بیمار و ضد زن را تقویت میکند. دستت را به گرمی میفشاریم و امیدواریم که از این پس همکاریهای بسیار نزدیکتری داشته باشیم. یقین داریم که تو هم همچنان به پشتیبانی از تلاشهای ما برای آزادی ادامه خواهی داد.

## مقبره و زیارتگاه نه خیابان

پاسخی به سران سازشکار  
کانون صنفی معلمان  
شهلا دانشفر



اسلامی تلاش کرد با وصل کردن این روز به سالروز مرگ مطهری از رهبران فکری اسلامشان، روز ۱۲ اردیبهشت را رنگی مذهبی و اسلامی بدهد، تا از شکل گرفتن روزی برای اعتراض سراسری معلمان جلوگیری کند. اما در طول تمام این سالها معلمان از این روز بعنوان فرصتی برای بیان خواستهها و مطالباتشان استفاده کرده اند. بویژه تقارب ۱۲ اردیبهشت با اول مه روز همبستگی جهانی کارگری همواره به معلمان فرصتی داده است تا در کنار طبقه کارگر در سطح جهانی به استقبال ۱۲ اردیبهشت بروند و خواستههایشان را بیان کنند.

در این میان سران "کانون صنفی معلمان" نیز همصدا با رژیم تلاش کرده اند روز ۱۲ اردیبهشت را در همان چهارچوب مذهبی نگاهدارند و هر ساله معلمان را به سوگواری بر مرقد خاعلی و قبر مطهری در این بابویه فراخوانده اند. اما معلمان به این بیعت نپیوسته و وقتی با تاریخ

## جنب و جوش بی سابقه...

ادارات کار و میادین اصلی شهر جمع میشوند. همه شواهد به روشنی نشان میدهد که اول مه امسال روزی در تداوم روزهای انقلاب است. بطور واقعی این صف آزادیخواهی و صف انقلاب است که چنین حول خواستههای انسانی متحد میشود و جلو میرود. تلاشهای بسیاری در پشت همه اینها اتفاقات وجود دارد. تلاش صفی آگاه از رهبران کارگری، فعالین چپ و رادیکال در عرصه های مختلف جامعه که دارند انقلابشان را سازمان میدهند. و با حجم فشرده ای از کار و تلاش به تدارک اول مه رفته اند. درود به همه این عزیزان و همه دست اندرکاران این روز تاریخی بزرگ را به گرمی میفشارم. اینها همه لحظات مهمی از انقلاب ماست که به جلو گام برمیداریم. بویژه همه این اتفاقات در حالی صورت میگردد که جمهوری اسلامی، چماق سرکوبش را بالا گرفته است. با طرح حجاب و عفاف به خیابانها آمده و میگوید اگر این طرح به آرامی جلو نرود ناگزیر به زور متوسل میشود. صدور احکام

اعتراضات معلمان در همین دهساله اخیر نگاه میکنیم، مقاطع پرشورش اعتراضات هزاران نفره آنان در خیابان و اعتصابات سراسری شان بوده است. اکنون در تداوم یکسال جنب و جوش و جنبش انقلابی مردم، در شرایطی که جامعه از اعتراض و مبارزه میجوشد، باز حضرات کانون صنفی معلمان با فراخوان به اعتصاب غذا و جمع شدن در این بابویه تلاش کرده اند که سروته قضیه را هم بیاورند و در برابر یک موج عظیم اعتراضی که مترصد فرصت است، بایستند. پاسخ این فراخوان از هم اکنون روشن است. محل اعتراض معلمان این بابویه نیست. زیارتگاه نیست. خیابان است. مقابل مجلس و آموزش و پرورش است. دیگر معلمان بعد از چندین سال سرداندن خوب میدانند که طرح نظام هماهنگ، طرحی برای چرخاندن معلمان در کریدورهای آموزش و پرورش و التماس و دیروزیگی در مقابل مجلس و سردانانشان است. و امروز ما شاهد این هستیم که معلمان معترض دارند جلو می آیند، تشکل خود را اعلام میکنند، و در برابر سازشکارهای این کانون می ایستند. نمونه اش در همین اول مه است. جمعی از معلمان تحت عنوان

در یک کلام روزهای فشرده ای از تدارک اول مه را پشت سر گذاشته ایم. نگاهی به همه این تحركات، نگاهی به قطعنامه های اول مه و بیانیه های کارگران و نیز بیانیه های دانشجویان، معلمان و غیره همگی نشانگر تعیین یافتگی و عمق انقلاب ما است. یک نقطه قوت بزرگ اول مه امسال نیز فراخوان مشترک ده تشکل کارگری به برگزاری اول مه است. البته در میان این تشکلهای اسم شورای زنان را می بینیم که خود به این حرکت متحد کارگران ویژگی میدهد. این قطعنامه از سوی جمعی از کارگران ایران خودرو مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. جدا از این قطعنامه ما شاهد قطعنامه شورای موقت کارگران پتروشیمی ماهشهر، قطعنامه کارگران عسلویه و کارگران پروژه ای نفت و گاز هستیم. همینطور دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب طی قطعنامه ای ضمن حمایت از خواستهها و فراخوان ده تشکل کارگری بر خواستههای مشخص دانشجویان تاکید گذاشته اند. از سوی دیگر جمعی از معلمان آزادیخواه با اعلام تشکل خود "کانون معلمان آزادیخواه"

"کانون معلمان آزادیخواه" جلو آمده، بیانیه دادند و با ده تشکل کارگری به مناسبت اول مه اعلام همبستگی کردند و خواستهها و مطالبات معلمان را اعلام داشتند. این تازه شروع کار است. امروز معلمان خواستههای روشنی دارند. همانطور که کل جامعه خواستههای روشنی دارد. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند. مردم هیچ بخشی از این حکومت و قوانینش را نمیخواهند. خواست آزادی زندانیان سیاسی، خواست لغو مجازات اعدام، محکوم کردن سرکوب ها و محاکمه عاملین کشتار مردم، داشتن یک زندگی انسانی و پر از رفاه و شادی، داشتن یک آموزش مدرن، سکولار و انسانی، برخورداری کودکان و کل جامعه از زندگی مرفه بدور از هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی و مذهبی، لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، بند های قطعنامه های بخش های مختلف جامعه و معلمان است.

در یک کلام کانون صنفی معلمان بطور واقعی یک مانع در مقابل مبارزات معلمان است. باید سران سازشکار این کانون را از سر راه مبارزات خود کنار زد. این کانون از ضد انقلاب اسلامی بعنوان انقلاب خود سخن میگوید. معلمان کل این

به استقبال اول مه و روز جهانی معلم رفتند و در بیانیه خود اعلام داشتند که از فراخوان ده تشکل کارگری به مناسبت اول مه استقبال میکنند و ضمن تاکید بر خواستههای آنان بر یکسری خواستههای مبرم و فوری معلمان تاکید گذاشتند.

حلقه ای مشترک همه این بیانیه ها و قطعنامه ها را به هم پیوند میدهد. آنهم خواستههای فوری جنبش انقلابی مردم است. همه قطعنامه و بیانیه ها بر یک زندگی انسانی و بدور از فقر و گرسنگی و نابرابری تاکید گذاشته اند. از حداقل دستمزد در گام اول یک میلیون تومان صحبت کرده اند. از حقوق کودک و حق برخورداری از یک زندگی انسانی حرف زده اند. حمایت خود را از کارگران افغان و متوقف شدن فشار و تهدید بر روی این کارگران اعلام کرده اند. همه اینها برابری زن و مرد و لغو قوانین ضد زن تاکید کرده اند. همه اینها خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری زندانیان

حکومت را به چالش میکشند. این کانون معلمان را همواره به اعتراض آرام که بقول مبارکشان ساختارشکنی نشود، فرا میخواند، معلمان بیرون میریزند و با شعار معیشت منزلت حق مسلم ماست، بر حقوق انسانی خود تاکید کرده اند. جمهوری اسلامی حتی تحمل اپوزیسیون حافظ نظامش را ندارد و دو تن از سران این کانون باغانی و بهشتی در همین هفته دستگیر شدند. ما دستگیری آنها را محکوم میکنیم و خواهان آزادی فوری آنها، و آزادی همه زندانیان سیاسی از زندان هستیم. جمهوری اسلامی در همین هفته ۷ تن از معلمان را دستگیر کرده است. جعفر عظیم زاده از رهبران سرشناس کارگری را احضار کرده است، و همه این تشبیهات از ترس اول مه و بدنبال آن استفاده معلمان از فرصت روز معلم برای تجمعات و اعتراضاتشان است. پاسخ به این تعرضات حکومت و همچنین این تقلها برای سترون ساختن مبارزات معلمان، یک اول مه با شکوه است. پاسخ اعتصابات سراسری معلمان و تجمعات گسترده اعتراضی مان است.\*



سیاسی شده اند. و همه اینها بر آزادی بدون قید و شرط سیاسی و آزادی حق تشکل و اعتصاب و تجمع تاکید کرده اند. خواهان برخورداری همه شهروندان جامعه از یک زندگی انسانی و برابر شده اند. همه این قطعنامه های بر شرکت گسترده و قدرتمند در روز اول مه روز اعتراض علیه مصایب سرمایه داری تاکید گذاشته اند. قطعنامه هایی که پرچم مبارزات همین امروز کل جامعه است. اول مه خیابانها مال ماست، زنده باد اول ماه مه.\*

**سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**

## بازتاب هفته

### وزیر کار سابق و حقوق کارگران



محمد شکوهی

اوایل هفته گذشته ابوالقاسم سرحلی زاده وزیر کار سابق جمهوری اسلامی اعتراف کرد که وضعیت کارگران بعد از ۳۰ سال نه تنها بهتر نشده، بلکه بدتر هم شده است. او از کارگران خواست که: "حداقل حقوق صنفی و مطالبات قانونی خود را مطالبه کنند." باید از ایشان بخاطر این رهنمود داهیانه به کارگران تشکر کرد. سوابق سرحلی زاده که در دهه ۶۰ به همراه توکللی وزاری کار رژیم بودند. ضدکارگری ترین سیاستها و وحشیانه ترین سرکوب ها را بر علیه طبقه کارگر سازمان داده و پیش برده اند. سرحلی زاد سومین وزیر کار رژیم در یکی از بحرانی ترین دوران حیات ننگین جمهوری اسلامی بود. ایشان در کنار توکللی و دار و دسته های گرد آمده در تشکل های حکومتی نظیر شوراهای اسلامی کار، انجمن های حراسست کارخانجات، انجمن های اسلامی، بناملان و سازمان دهندگان خشن ترین و وحشیانه ترن سرکوب مبارزات و اعتراضات کارگری و به خون کشیدن اعتصابات و مبارزات کارگران بوده اند. سرحلی زاده و توکللی نسلی از مهره های رژیم هستند که در تبعیت از امام شان کارگر را "کاربذیر" نامیده، و در "باب اجاره" قانون کار نوشتند. در جریان مباحث مربوط به قانون کار در سالهای گذشته همین ها کسانی بودند که موجودیت کارگر را انکار کرده، ضد کارگری ترین ضد انسانی ترین مفاد و قوانین برده داری اسلامی را به عنوان قانون کار حکومت میخواستند بر کارگران تحمیل کنند. در سال های نخست دهه اول سرکار آمدن جمهوری اسلامی سرحلی زاده، توکللی و در معیت انصار حزب الله شعارسرکوب

تشکل های کارگری و اعتصابات کارگری، "اسلامی کردن محیط کار" را به فرمان خمینی در دستور باند های سپاه تروریست اسلامی قرار دادند. هزاران فعال کارگری و سوسیالیست و رهبران کارگری دستگیر، زندان و اخراج و اعدام شدند. بنا بر اعتراضات برخی از عناصر خانه کارگر امروزی و کسانی نظیر حسین کمالی، علیرضا محبوب و حسن صادقی که از عناصر مهم حکومتی در دوران یاده شده بودند، نزدیک به ۳۰۰ هزار کارگر شامل پروژه پاکسازیهای رژیم و اسلامی کردن محیط های کار شده و نسلی از رهبران عملی و فعالین مبارزات کارگری قربانی این سرکوب ها شدند. با توجه به همه اینها سوال این است یک آدمی که دستش تا آرنج به خون کارگران آغشته است سه دهه است به همراه باند های حکومتی مبارزات کارگران را به خاک و خون می کشند، چه شده که یک شبه یاد کارگر افتاده و سنگ کارگر را به سینه می زند؟ واقعیت این است که سرحلی زاده، توکللی و باندهای مربوطه قدرت اتحاد و مبارزات کارگران ایران را در دهه اول که اینان بر سر کار بوده اند، دیده و لمس کرده اند. می دانند که اگر کارگران اراده کنند می توانند سال های نخست شکل گیری حکومت اسلامی و رویارویی میلیونی طبقه کارگر با رژیم اسلامی را تکرار نمایند. اینها نگران وضعیت رژیم در این وضعیت بی اقبی و بحرانی هستند. اینها به یاد دارند که به فرمان و درخواست تشکل های کارگری در سال ۱۳۵۹ صدها هزار نفر در اول مه با پرچم های سرخ به خیابانها آمده و قدرت نمایی کردند و حکومت تازه بر سرکار آمده در برابر طبقه کارگر مجبور شد عجلتا عقب بنشیند. اینها دیده اند و ترس از تکرار آن روزها شب و روز خوابشان نمی برد. به خیال خود می توانند بعد از گذشت سه دهه جنایت و آدم کشی و سرکوب مبارزات طبقه کارگر توسط رژیمی که این جنایان از مهره های اصلی آن بوده اند، فریب خورده و دوباره کارگران را به دنبال جنگ و دعواهای

باند های حکومتی بخطر کرده تا خودشان و حکومتشان را از تعرض طبقه کارگر برای چند صباحی هم که شده مصون نگه دارند. اما برای کارگران و مردم محروم ایران، هر چیزی که بوی جمهوری اسلامی بدهد ضد کارگری و ضد انسانی است و باید دفن شود. تلاش ها و تفرقه های این جنایان، تلاشی بر سر گردآوری نیرو حول و حوش سیاست های باند های حکومتی در کنار تهدید سرکوب مبارزات کارگران بوده و می باشد. مساله اینست که جمهوری اسلامی باید برود و هیچ نیرو و شخصیت و چهره امروز و دیروز حکومت قادر به نجاتش از دست مردم به جان آمده نیست. اعترافات اینها تنها عزم کارگران و مردم برای به زیر کشیدن این حکومت را جزم تر میکند. \*

### حیوان، فسیل، آخوند



غلام اکبری

هفته گذشته آخوند احمد خاتمی در نماز جمعه تهران کلی خزعبلات درباره زلزله و حجاب و دین سر هم کرد. ایشان مسانند دیگر همپالکیهایش که مثلا در حوزه "علمیه" درس خوانده اند و عالم شده اند، خیلی عالمانه و با اعتماد به نفسی که فقط در سفیهان یافت میشود، اعلام کرده است که: "کسی جز معصومین نمیتواند زمان زلزله را تشخیص بدهد" و "بفرض هم زلزله ای در راه باشد بروید به درگاه خدا و توبه کنید، زلزله متوقف میشود." و "در قرآن هم آیه ای به اسم "ضد زلزله" داریم... که اگر کسی در شب یا در روز این آیه را بخواند و بخوابد سقف خانه بر سرش خراب نمیشود..." البته بحثی هم در مورد بی حجابی زنان و زلزله داشت که در دنیا انعکاس پیدا کرد و شمار زیادی از زنان نه فقط بی حجاب بلکه به کوری چشم آخوندها نیمه برهنه بیرون آمدند و زلزله ای را علیه جمهوری گندیده اسلامی در گوشه و کنار جهان برپا

کردند. هرچه دنبال لغتی میگردم که بتواند میزان حماقت، پستی و پروری و کثافت این ارادل را که ۳۱ سال است تسمه از گردن انسانیت کشیده اند را بیان کند، لغتی پیدا نمیکنم. اینها چند نسل را بدبخت کرده اند آنها نه با این اراجیفشان بلکه با زندان، شکنجه اعدام و سنگسار و گشت های رنگارنگ نهی از منکر و خواهران زینب و امثال اینها. این... نه وقتی بجای چند نقطه جانوار را میگذاریم و یا اسم بعضی حیوانات را قرار میدهم فوراً سگ و خر و میمون و امثال اینها بر زبانمان جاری میشود. اما این حیوانات هر کدام اگر فایده ای هم برای انسان نداشته باشند حداقلش این است که حیوانند و اگر جفتک میزنند یا گاز میگیرند بخاطر این است که اذیت و آزارشان میکنند یا جانشان را در خطر میبینند. به همین خاطر آدم شرمنده حیوانات میشود و انجمنهای حمایت از حیوانات هم اعتراض میکنند که چرا به یک صنف صاحب سرمایه و مفت خور و جنایتکار و مرتجع میگیریم حیوان. "فسیل" را بهتر میشود بعنوان یک توصیف در کنار نام اینها بکار برد. با این ایده که: از آنجایی که فسیل معمولاً سنگی است که یاد آور

حیوان یا گیاه خیلی قدیمی بوده. مثلاً اثر پای یک دایناسور بر ساحلی. این فسیل شاهدهی است از تاریخ، آنها تاریخی خیلی دور. اما این لغت برای تشبه متعجب بودن افکار و رفتار این جماعت کفایت نمیکند. حداقل نه امروز، بعد از ۳۱ سال جنایت، تجاوز و کشتار. شاید قبل از انقلاب ۵۷، یعنی همان زمانی که گاهی اوقات یک هذیانهایی بنام روضه میخواندند تا دوتومن بگذارند کف دستشان، میشد به آنها بگویی فسیل و از کنارشان هم بگویی. اما امروز این تشبیل اصلاً نمیتواند دل آدم را خنک کند و بیانگر گوشه ای از حقیقت تلخی باشد که شاهدش هستیم. باید لغتی پیدا کرد که وقتی گفته میشود، نه تنها این به اصلاح "دانشمندان تربیت شده در حوزه های علمیه" بلکه تمام همپالکهایشان در بقیه ادیان و مذاهب را هم بتواند تفسیر کند. اینها جماعتی هستند که شکمشان و حسابهای بانکی سوئیس و مالزیشان از "به اسارت کشیدن انسانها" مدام بزرگتر و قطور تر میشود. و جنایاتی که در حق بشر کرده اند قابل توصیف و تشریح نیست. باشد که انسانیت برای دفاع از حیوانات بی زبان هم که شده لغتی برای اینها پیدا کند. \*

### تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ساسان

پاسخی ندادند و گفتند چرا نمیگذارید ما حقمان را بگیریم، چرا دارید از کسانیکه حق خوری کرده اند دفاع میکنید؟ ما تا گرفتن حقمان به اعتراض خود ادامه خواهیم داد. این کارگران روز ۱ اردیبهشت نیز در همین رابطه تجمع برپا کرده بودند. این اعتراضات ادامه دارد.

روز شنبه ۴ اردیبهشت ۲۵۰ نفر از کارگران شرکت ساسان در اعتراض به عدم پرداخت بیمه بیکاری به آنان، در مقابل درب این شرکت تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی نیروی انتظامی همزمان در مقابل کارخانه حاضر بود و کارگران را مورد تهدید قرار داده و هشدار داد که پراکنده شوند. اما کارگران

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)

سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

## اساس سوسیالیسم انسان است!

## بازتاب هفته

### دلارا در قلب همه ماست

هوشیار سروش

به ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر نزدیک می شویم. در این روز دقیقاً یک سال از اعدام جنایتکارانه دلارا دارابی توسط جانیان جمهوری اسلامی می گذرد. دلارا دارابی در سحرگاه اول ماه مه سال پیش وحشیانه اعدام شد. اعدام دلارا یکبار دیگر به جهانیان ثابت کرد که جمهوری اسلامی این حکومت ضد آزادی و ضد زن اصلاح شدنی نیست. جمهوری اسلامی ظاهراً این عمل جنایتکارانه را بعنوان یک دهن کجی به دنیایی از تلاش و فداکاری برای نجات جان یک انسان بی گناه و یک موجود نازنین انجام داد. او یکبار دیگر به جهانیان نشان داد که نه فقط به حرمت انسان احترام نمی نهد؛ بلکه بویژه به حرمت و کرامت کودکان و زنان بی اعتناست و ضد زن بودن جزو ذات وجودی این جرمه فساد و تباهی است. این حاکمیت در عین حال این عمل شنیع و این قتل آشکار را در روز اول ماه مه روز جهانی کارگران انجام داد. تا بدینوسیله نشان دهد که با مشت آهنین و با توسل به قتل و جنایت پاسخ هر دادخواهی و حق طلبی را خواهد داد. به همین خاطر در آن روز تجمع کارگران و مردم آزادیخواه را در تهران را مورد حمله وحشیانه قرار داد و بیش از ۱۵۰ نفر از تجمع کنندگان پارک لاله را دستگیر، شکنجه و روانه زندان کرد. اما اگر مردم عمیقاً در همه جا خواستار آزادی دلارا دارابی بودند، موج میلیونی آزادیخواهی با اعدام این دختر جوان و هنرمند نه فقط فرو نشست بلکه دیدیم که پاسخ مردم آزادیخواه و حق طلب ایران کمتر از ۲ ماه در مقابل این رژیم دزد و جنایتکار گسترش مبارزه و به چالش کشیدن حاکمیت این ارتجاع قرون وسطایی بود. بی تردید حضور خیل وسیعی از مردم مبارز در تجمع پارک لاله تداوم منطقی و ارگانیک خود را در تجمعات و حضور گسترده مردم در بعد از انتخابات فرمایشی رژیم نشان داد. یکی از شعارهای

همیشگی در تجمعات و تظاهرات گسترده مردم در سراسر ایران آزادی زندانیان سیاسی و هم چنین خواست لغو مجازات اعدام بوده است. گرچه رژیم جمهوری اسلامی یکی از ابزارهای سرکوب و ساکت نگه داشتن مردم را مجازات اعدام قرارداده است، اما به شهادت مبارزات داتما رو به رشد مردم حداقل طی این ده ماه اخیر لغو مجازات اعدام یکی از خواستههای همیشگی مردم بوده است. برچیدن و آتش زدن بساط چوبه دار و اعدام در سیرجان و در گرماگرم مبارزات و تلاش های آزادیخواهانه مردم خود بهترین گواه این حرکت ترقی خواهانه و انسانی است. اگر چه رژیم به تبعیت از سیاست دد منشا ایش هر روز دست به جنایت و اعدام مردم حق طلب می زند، اما بی تردید احترام به زندگی و ذات بشری و طبیعتاً هر موجود زنده ای؛ حکم می کند که هر انسان آزاده ای هم امروز و هم در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی؛ لغو مجازات اعدام را بعنوان یک خواست اولیه و بحق مد نظر داشته باشد. در عین حال شایسته است که همین جا ضمن اظهار مراتب مجدد تسلیت و همدردی با خانواده دلارا دارابی و نیز تمام کسانی که بدست این جنایتکاران اعدام شده اند؛ عهد کنیم که در کنار آنها و در دفاع از مبارزات برحق شان برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی از پای نخواهیم نشست. بی تردید دلارا بعنوان یکی از قربانیان این حکومت و چهره معصوم و انسانی در قلب ما جاودانه است. \*

### حملات فاشیستی به

### مهاجران افغان در مهریز



بهروز مهرآبادی

شهر مهریز در جنوب استان یزد در روزهای اخیر شاهد حمله گروهی از اوباش به منازل مهاجران افغان در

این شهر بود. شیشه های محل های مسکونی این افراد با سنگ شکسته شد و در محلات چنارک، کمال آباد و کوه ریگ تعدادی از منازل آنها به آتش کشیده شد. خبرگزاری ایلنا این حمله را از طرف مردم اعلام کرد و دلیل آن را واکنش به کشته شدن یکی از اهالی مهریز بدست دو نفر افغان ذکر کرد. در هیچ رسانه جمهوری اسلامی اعلام نشده است مردمی که بجرم افغان بودن مورد حمله قرار گرفته و محل سکونتشان به آتش کشیده شده مورد حمایت قرار گرفته باشند و یا اینکه حمله کنندگان تحت تعقیب باشند. ولی نقل قول فرماندار مهریز را می توان خواند که عملاً از این حملات حمایت کرده و گفته است: یکی از خواسته های مردم برخورد با متجاوزان است. رسانه های جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که جمعی از مردم مناطق مهریز با امضای طوماری خواستار، شناسایی، دستگیری و اخراج افغانه از این شهرستان شدند. خواندن این خبر و واکنش مقامات جمهوری اسلامی نشان می دهد که در این قضیه مردمی در کار نیستند. حکومت اسلامی از یک واقعه که ظاهراً دو مهاجر افغان در آن نقش داشته اند، استفاده کرده تا دست به یک حمله فاشیستی به مهاجران افغان بزند و اوباش خود را به سراغ مردمی بفرستد که هیچ نقشی در قتلی که انجام شده نداشته اند و تنها جرمشان تولد خود و یا والدینشان در افغانستان است. این اقدام و انعکاس آن در رسانه ها هدفی جز ایجاد ارباب در میان صدها هزار مهاجر افغان ساکن ایران ندارد. در خبر ایرنا خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، افغانه مجرمینی هستند که باید شناسایی، دستگیر و اخراج شوند. ایرنا ظاهراً این را به مردم نسبت می دهد اما انتشار این خبر عملاً تحریک آمیز و نشاندهنده موضع رسمی این خبرگزاری است. پیش از این نیز بارها از رسانه های جمهوری اسلامی و از جانب مقامات حکومت اسلامی، فاشیستی ترین حملات به افغانها صورت گرفته و علناً و رسماً به مردم زاده افغانستان توهین و بی حرمتی شده و همه آنها بعنوان مجرم و جنایتکار معرفی شده اند. در هر جامعه ای با حداقل معیارهای

حقوقی انسانی، اگر جرمی بوقوع پیوسته است باید مجرمین در دادگاههایی با معیارهای انسانی و متمدانه مورد محاکمه قرار بگیرند. اگر قرار باشد در ایران کسی به جرم جنایت دستگیر شود، این دست اندرکاران جمهوری اسلامی هستند که اسناد جنایات بی شمارشان فقط در یک سال گذشته در رسانه های مختلف ایران و جهان منتشر شده است. اگر قرار باشد که در همان شهرستان مهریز کسی شناسایی و دستگیر شود مسبب کشته شدن یک کودک ۴ ساله هستند که در روز ۲۶ اسفند در چاهی که شهرداری در یک محل پر رفت و آمد حفر کرده بود سقوط کرد. اگر قرار است که کسی در مهریز شناسایی، دستگیر و محاکمه شود مزدوران جمهوری

### ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.

مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

## به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

**سخنرانی مینا احدی ...**

از صفحه ۱



ندا آقاسلطان بورسیه تحصیلی ای به شماری از دانشجویان میدهد، در مورد اهمیت مبارزات مردم ایران و ضرورت دفاع از این مبارزات سخن گفت. مینا احدی در سخنرانی خود که مورد استقبال بسیار پرشور حاضرین قرار گرفت چنین گفت:

با تشکر از این دعوت، بسیار خوشحالم که در جمع شما حضور دارم. چون اولین بار است که در این جا سخنرانی میکنم، بهتر است کمی خود را معرفی کنم. من مینا احدی هستم و از ایران آمده‌ام. زندگی من و مجموعه فعالیت‌هایی که انجام میدهم، به نوعی مشکلات و مسائل جامعه ایران را منعکس میکند. خیلی جوان بودم که بدلیل محدودیت‌ها در شهر کوچک محل تولدم "ابهر" مجبور بودم همیشه چادر سرم کنم و امکان هیچ فعالیت اجتماعی را نداشتم. در همین سنین بود که به اعتراض روی آوردم و به تدریج از مذهب و اسلام دست کشیدم. دانشجوی پزشکی دانشگاه تبریز بودم که بر علیه حکومت شاه انقلابی آغاز شد که فعالانه در آن شرکت کردم. اعتراض من به فضای خفقان و پلیسی، به مشکلات خودم با ساواک شاه و به ممنوع بودن کتب و ممنوعیت نقد و اعتراض و تشکل ... بود.

انقلاب در ایران از نظر من، انقلابی برحق بود برای دستیابی به حقوق انسانی و آزادی و رفاه و برابری. این انقلاب به دلایلی داخلی و همچنین دخالت فعال دوول غربی، در اوضاع سیاسی معینی "انقلاب اسلامی" نامیده شد و اسلامی اش کردند و در نهایت با روی کار آمدن يك حکومت مرتجع اسلامی به شکست کامل انجامید. اولین فرمان خمینی علیه زنان این بود: "یا روسری، یا توسری" و من و تعداد زیادی از ما، از همان روز اول در مقابل این حکومت بودیم و گفتیم، نه روسری، نه توسری، آزادی نه شرقی است نه غربی جهانی است. من در تبریز با هفت دختر دانشجوی فراخوان تظاهرات در مقابل حجاب اجباری دادیم و من ۲۰ ساله

بودم که اولین سخنرانی خودم علیه حجاب را انجام دادم. روز بعد اجازه ورود به دانشگاه نداشتم و اخراج شدم. حجاب برای من سمبل يك سلول انفرادی است. اگر داخل آن میشدم، بر این عقیده بودم که به بی حقوقی خودم رای میدادم. به نداشتم حق طلاق و سنگسار شدن در صورت رابطه جنسی خارج از ازدواج... من حجاب را نپذیرفتم و به مبارزه علیه حکومت اسلامی روی آوردم، از اولین روزی که نطفه این حکومت بسته شد. و ما در آغاز تعداد کمی بودیم. ولی به تدریج معلوم شد هزاران و یا چندین میلیون نفر بودیم. خانه من بعد از چند ماه فعالیت مخفی علیه حکومت مورد یورش پاسداران قرار گرفت و زمانی که من در کارخانه سرکار بودم، همسر من و پنج مهمان ما دستگیر شدند. يك ماه بعد همه آنها را رژیم اعدام کرد. یکسال در تهران مخفی زندگی کردم چرا که علیه من نیز حکم اعدام صادر شده بود و من به کردستان رفتم. منطقه‌ای که آنزمان آزاد بود. ده سال در کردستان مبارزه کردم و چهار سال آخر در کوهها و در چادر زندگی میکردیم و این منطقه تحت حاکمیت هیچ دولتی نبود، نه ایران و نه عراق که در مرز آن زندگی میکردیم. سال ۱۹۹۰ به وین رفتم و ۱۹۹۶ به آلمان آمده‌ام. من در سال ۲۰۰۱ يك کمیته بین المللی علیه سنگسار تاسیس کردم که ۲۰۰ سازمان جهانی به آن پیوستند و ما با مبارزه خودمان جان تعداد زیادی را نجات دادیم و در سال ۲۰۰۴ کمیته علیه اعدام را تاسیس کردیم که بطور ویژه علیه اعدامها در ایران فعالیت میکنیم. در سال ۲۰۰۷ شورای مرکزی اکس مسلم را بنیاد گذاشتم که يك حرکت انتقادی علیه اسلام سیاسی، علیه مذهب و علیه فتوایی است که در مقابل بی خدایان و ترك کنندگان مذهب اسلام داده میشود و در عین حال يك حرکت انتقادی است علیه دولتهای غربی بدلیل مماشات و همکاری آنها با سازمانهای تروریست اسلامی

در غرب.

این فیلم را امروز همه دیدیم (اشاره به فیلم حنا مخملباف) و لحظاتی را همراه مردمی بودیم که با شجاعت کامل علیه يك حکومت دیکتاتور و ضد انسانی اسلامی مبارزه میکنند. حکومت اسلامی يك حکومت فاشیست و ضد زن و ضد مدرنیته و ضد آزادی است. در ایران قوانین اسلامی در همه زمینه ها وجود دارد و همه چیز قدغن است. شادی و رنگ و زندگی و سکس و همه چیز. و حکومت همه این سیاهی و تباهی را با شکنجه و زندان و اعدام و تجاوز و سنگسار پاسداری میکند. مردم ایران سی سال است که با این حکومت مبارزه میکنند، در آغاز ما بودیم و بعد از اعدام حداقل صد هزار نفر از ما، بعد از اینکه به بسیاری از دختران جوان اول تجاوز کردند و سپس اعدام کردند که به "بهشت" نروند بعد از اعدام زنان حامله و کودکان ۱۳ ساله، اینها خودشان را کمی تشبیه کردند. اما در ایران بعد از يك دوره، اعتراضات شروع شد. چرا که این حکومت ضد زندگی بود. اینجا و در این فیلم خاتمی را نشان دادند و سوال دختر جوان و یا همان خانم مخملباف از او: که چه کردی؟

من ایران و حکومت اسلامی و مبارزات مردم و خاتمی را نوع دیگری می بینم. خاتمی در يك دوره، در مقابل مردمی که اعتراض میکردند، دانشجویانی که شعار سرنگونی حکومت را میدادند، جوانانی که هیچ خاطره‌ای از انقلاب علیه حکومت شاه نداشتم و در دوره همین حکومت اسلامی چشم به دنیا گشوده بودند، و علیه این حکومت شده بودند، برای نجات این کشتی، از "رفرم" حرف زد و واضح گفت برای نجات نظام باید این رل را بازی کرد. مدتی او و همفکرانش همچون آقای مخملباف که در دورانی بازجوی دوستان زندانی من بود، و بعدا رفرمیست شده بود، با دفاع از رفرم کساکان در حکومت بودند. من آنزمان مسئول کمیته علیه سنگسار بودم و دیدم که مریم ایوبی يك مهندس شرکت نفت، به اتهام رابطه خارج از ازدواج دستگیر شد و در حالیکه دو کودک ۶ و ۸ ساله داشت، زمان خاتمی به سنگسار محکوم شد. رفرم در زمان خاتمی این بود که



او را نه در خیابان، بلکه پشت دیوار اوین سنگسار کردند. من با مریم ارتباط داشتم و علیه این سنگسار فعالیت‌های زیادی کردیم. مریم را وقتی برای سنگسار بردند، از ترس بیهوش شده بود و او را با برانکارد بردند و سنگسار کردند.

از دفتر خاتمی، در روزهای داغ فعالیت علیه سنگسار مریم ایوبی، به من زنگ زدند و گفتند این سر و صداها در دنیا برای چیست، مگر شما وکیل این زنان هستید؟ و من در اینجا در جمع شما به عنوان يك زن و وکیل این زنان اعلام میکنم که این رفرم نیست که ما را در زندان سنگسار کنند. این جنایت علیه بشریت است. امروز در ایران از نظر من يك انقلاب در جریان است. انقلابی علیه کلیت حکومت، علیه کلیت قوانین اسلامی و علیه حکومت اسلامی. انقلاب خشم فرو خفته میلیونها نفر مردم ایران است که هر کدام يك و یا چند اعدامی در خانواده خود دارند. مادرانی که حتی نتوانستند برای فرزندان اعدام شده خود در آرامش گریه کنند... انقلاب فوران خشم میلیونها زن هست که در ایران با حکومت آپارتاید جنسی روبرو هستند. حق طلاق و تکفل فرزندان خود را ندارند. در قانون از آنها خواسته میشود که نفقه بگیرند، یعنی نانی به سوی آنها پرتاب میشود و تمکین کنند یعنی جسم و روح و زندگی خود را فدای مردان کنند. این مردسالاری در قدرت، خشم میلیونها زن را برانگیخته و به همین دلیل انقلاب در ایران چهره زنانه دارد. این انقلاب سبزه‌ها نیست، این انقلاب به فرمان موسوی و کروی و کسانی نیست که خودشان سالها در قدرت سهیم بوده اند. این

**يك دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید**

**نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!**

## بدون شما ممکن نیست! کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار کمک مالی برای حزب

**کمپین ۲۰۰۰۰۰ دلاری برای تامین کانال جدید**  
۱۳۲۹۰۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود

لیست ۳، ۲۹ آوریل ۲۰۱۰

در هفته سوم کمپین جمع آوری کمک مالی برای تامین هزینه های کانال جدید، دوستانی که نامشان در زیر می آید ۲۱۴۹۰ دلار کمک کردند. دست تک این عزیزان را میفشاریم. هدف این کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار در عرض شش هفته است. با احتساب کمک های تاکنونی، برای جمع آوری مبلغ اعلام شده در این کمپین به ۱۳۲۹۰۰ دلار دیگر نیاز هست.

ما همه مردم آزاده، همه مدافعین انقلاب و رهائی از شر حکومت نکبت اسلامی را فرامیخوانیم تا در این کمپین شرکت کنند و کانال جدید، این صدای حقیقت و انسانیت، صدای اعتراض کارگر و مردم زحمتکش، را مورد پشتیبانی مالی قرار دهند.

داوود دالاس ۵۰ دلار	حسین دالاس ۱۰۰ دلار
حسن دالاس ۵۰ دلار	اهواز دالاس ۵۰ دلار
جمال دالاس ۲۰ دلار	منوچهر دالاس ۴۰ دلار
محمد کاظمی ۲۰۰ دلار	حسین احمدی ۳۰۰ دلار
امیر روشن ۱۰۰ دلار	بانو مخبر ۱۲۰ دلار
حسن گلزاری ۵۰ دلار	فریدون فرهی ۱۰۰ دلار
بهار میلانی ۲۰۰ پوند	رضا رضایی ماهانه ۲۰ دلار
جمیل فرزاد ۶۰۰۰ کرون	سیامک بهاری ۱۲۰۰۰ کرون
خلیل کیوان ۵۰۰۰ کرون	رحیم یزدانپرست ۶۰۰۰ کرون
واحد کلن حزب ۵۰۰۰ یورو	الیاس فرهادی ۲۵۰ یورو
اصغر کریمی ۲۰۰ پوند	جمشید هادیان ماهانه ۳۰ دلار
	رضا پایدار ماهانه ۵۰ دلار
	فروغ ارغوان ماهانه ۵۰ دلار
	هادی رقی ماهانه ۵۰ دلار
	معصومه احمدی ماهانه ۲۰ دلار
	گیتی آقاجانی ماهانه ۱۰۰۰ کرون
	واحد فرانکفورت حزب ۵۰۰۰ یورو

### کانال جدید را وسیعاً تبلیغ کنید

برنامه های کانال جدید از ماهواره نایل ست و ۲۴ ساعته پخش میشود. مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعاً آنرا تبلیغ کنید.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل ست به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7  
Degrees West Freq: 10873  
Polarity: Vertical Symbol Rate: 27,500  
Fec: 3/4

Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046- 8 6489716  
markazi.wpi@gmail.com

**دفتر مرکزی حزب**

**به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!**

مانع ما مساله مالی است و امیدواریم با موفقیت این کمپین بتوانیم این مانع را نیز بر طرف کنیم. از همه شما مردان و زنان مبارز، از همه شما که خواهان نابودی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه انسانی، آزاد و مرفه در ایران هستیم میخوایم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید. هر اندازه که خود میتوانید کمک کنید و برای حزب کمک مالی جمع آوری کنید و دیگران را تشویق به این کار کنید. کمک های شما هر اندازه که باشد، کوچک یا بزرگ، گوشه ای از فعالیت حزب خودتان را تامین کرده اید.

کمک ها را به تشکیلات های حزب در شهرهای مختلف برسانید یا به شماره حسابهای زیر واریز کنید و به ما اطلاع دهید. لیست کمک های مالی دریافتی هر هفته اعلام خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۹ آوریل ۲۰۱۰، ۲۰ فروردین ۱۳۸۸

آزادبخواه بوده اید. اینبار هم در شرایط حساس کنونی و برای انجام وظایف خطیری که حزب بعهدہ دارد، روی حمایت مالی شما حساب میکنیم.

در شش ماه آتی حزب با کسر بودجه ای معادل حداقل ۲۰۰ هزار دلار روبرو خواهد بود. بمنظور تامین این مبلغ از ۱۰ آوریل ۲۰۱۰ (۲۱ فروردین ۸۸) کمپین جمع آوری کمک مالی برای حزب شروع میشود که به مدت شش هفته ادامه خواهد داشت. ۲۰۰ هزار دلار حداقل نیازهای حزب را تامین خواهد کرد. ما امیدواریم کمکهای جمع آوری شده در این کمپین از این سطح فراتر برود به نحوی که بتوانیم دامنه پوشش تلویزیون کانال جدید را گسترش بدهیم. ما در نظر داریم بمنظور پوشش بیشتر در ایران و همچنین سهولت دسترسی به کانال جدید در اروپا، علاوه بر نایل سات روی شبکه تله استار نیز برنامه پخش کنیم. تنها

زنان و مردان آزادیخواه!

به منظور تامین ادامه کاری کانال جدید که حدود سه ماه است در شبکه نایل سات به خانه های مردم ایران بازگشته و همچنین تقویت و گسترش پوشش کانال جدید و بازگشت به روزهای درخشان این کانال انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی و به منظور تامین فعالیت های گسترده و متنوع حزب کمونیست کارگری، دست یاری به سوی شما دراز میکنیم. انقلاب کنونی برای پیروزی نهایی و قطعی بر جمهوری اسلامی به یک رهبری رادیکال و پیگیر و حاضر در همه عرصه ها نیاز دارد. شکل دادن به این رهبری موضوع تلاش هر روزه این حزب است. تاکنون نیز تکیه گاه اصلی مبارزه بی تخفیف حزب علیه اعدام و سنگسار و حجاب و جهل و خرافه و فقر و بی حقوقی، همواره شما کارگران و مردم شریف و

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

شماره حساب سوئد: Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK  
برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.  
آلمان:

Germany Rosa Mai Konto. Nr.:583657502 Post Bank  
Bankleitzahl: 37010050

Dixie Rd, Mississauga 4900, Canada ICRC Scotiabank  
LAW 2R1 Account #: 84392 00269 13

Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248 هلند:

Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

G street, Blanine WA 98230 277 Bank of America Blaine Branch آمریکا:

ph:1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99  
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI  
branch: Wood Green Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779 BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
از ایران: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## "به تو مربوط نیست"...

از صفحه ۱

شدند. تظاهر کنندگان با گفتن این که "ما سکولاریسم می خواهیم" در بیروت دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان سعی کردند به سمت پارلمان این کشور بروند که پلیس مانع شد. در فیس بک هفت هزار نفر از این فراخوان استقبال کردند. تظاهر کنندگان با شعار "به تو مربوط نیست" (به عربی: ما خصک) خواستار کوتاه شدن دست مذهب در زندگی خصوصی افراد شدند. تظاهر کنندگان علاوه بر عدم مداخله در زندگی خصوصی مردم خواستار این بودند که نظام سیاسی کشور لبنان که بر اساس تقسیمات مذهبی اداره می‌گردد تغییر یابد و پست های دولتی بر اساس شایستگی افراد تقسیم گردد نه مذهب آنان. در لبنان مقامات سیاسی بر اساس توافقاتی نانوشتی بین نیروهای مذهبی تقسیم می‌گردد. ریاست جمهوری متعلق به احزاب مسیحی است و نخست وزیر باید از میان احزاب مسلمان سنی باشد و ریاست مجلس آن کشور نیز با احزاب شیعه مذهب می باشد. بر همین اساس انسانهای ساکن آن کشور بر اساس ادیان که به رسمیت شناخته میشوند رسمیت دارند. در شناسنامه آنها حتما باید قید شده باشد که چه مذهبی دارند و گر نه جزو شهروندان آن کشور محسوب نمی شوند. یعنی طرف بی دین باشد برای اینکه آدم زنده محسوب شود باید در شناسنامه اش باید قید شده باشد که اهل مسجد است یا کلیسا یا کنیسه! کسی حق ازدواج با افراد غیر از مذهب قید شده در شناسنامه را ندارد. بر همین مینا محلات شهرهای لبنان شکل گرفته است. سالیان طولانی آنچه از لبنان میشنومیم همین خبرهاست که مسلمانان شیعه ساکن غرب بیروت چه کردند یا مسیحیان ساکن شرق بیروت اما به گزارش بی بی سی "شمار جوانان لبنانی که به نقاط ضعف این نظام - بی ثباتی مزمن، دولت مرکزی ضعیف و تنش های فرقه ای که در گذشته باعث جنگ داخلی شده است - اشاره دارند، رو به افزایش بوده است."

این تظاهرات، هر چند از نظر جمعیت نسبتا کوچک اما يك اتفاق بسیار مهم نه تنها در لبنان بلکه در منطقه خاور میانه است. میتوان مدعی شد این حرکت انعکاسی از

هستند که دست مذهب از زندگی خصوصی شان و دولت قطع گردد و بنابه گزارش خود بی بی سی این جمعیت سکولار روز به روز بیشتر میشوند اما از سوی بی بی سی این حرکتی در جهت تحکیم موقعیت حزب الله جلوه داده میشود! حقیقت این است که بنیان دارو دسته های مذهبی در منطقه به زیر سوال رفته است؛ بخصوص اسلام سیاسی. ضربات خرد کننده ای که سال گذشته این جریان ضد انسانی از مردم ایران دریافت داشته موقعیتش را در منطقه خاور میانه زیر سوال برده است. حزب الله لبنان نیروی ارتجاعی ای است که به کمک وسیع جمهوری اسلامی سر پاست و کار اصلی آن تحت پوشش مبارزه با اسرائیل سرکوب نیروهای سکولار و همه مظاهر تمدن امروزی در لبنان است. این جریان نه نماینده اکثریت مردم لبنان بلکه بازوی سرکوب جمهوری اسلامی در لبنان و مهمتر از آن به همین بهانه که ما قدرت منطقه ای هستیم ( و برخی نیز باورشان شده است!) مردم ایران را سعی کرده بترساند و سر جای خود بنشاند. و همه ما در جریان هستیم که مردم ایران چگونه با نفرت تمام از این نیروی مرتجع یاد میکنند. اما حزب الله و احزاب مسیحی و یهودی در لبنان برای کسانی لازم است تا نظم سیاسی کثیفی که مبتنی بر آن در منطقه شکل گرفته است پا برجای بماند. و این تظاهرات بی نظیر ایستادگی در مقابل این جریانات ارتجاعی است. بی بی سی وحشت زده از حرکت مردم بیروت سیاه را سفید جلوه میدهد و سکولاریسم را به نفع حزب الله معرفی میکنند تا شاید هم مردم لبنان و هم مردم ایران ساکت شوند. پرچم جامعه و دولت سکولار را در منطقه خاور میانه را مردم ایران بلند کرده اند و یکی از خواسته های اصلی انقلاب مردم در ایران کوتاه شدن دست مذهب از کلیه شئون زندگی اجتماعی مردم است. حرکت مردم لبنان در بیروت میتوانند کمک شایانی به حرکت مردم انقلابی در ایران باشد. بی بی سی از پیوند این دو به لرزه در آمده است. ما هم همصدا به مردم بیروت خطاب به بی بی سی میگویم: "ما خصک" و نوید به ایشان میدهم کار حزب الله لبنان و کل اسلام سیاسی خیلی زود تمام است. نه تنها در منطقه خاورمیانه بلکه در کل جهان.\*

## گفتگویی با یک کارتون خواب

پرویز پویا (ایران)

کدام سالها پیش در گذشته اند و یک برادر و یک خواهر دارم که برادرم که سالهاست مرا رها کرده و هیچ احوالی از من نمی پرسد چون که همسرش راضی نیست من در یکی از اتاق های منزلشان که اتفاقا خالی هم هست زندگی کنم. فقط بعضی وقتها به خانه ی خواهرم میروم که او هم گرفتاری های خودش را دارد. پسر خواهرم هم مخالف است که من با آنها زندگی کنم. اما راجع به تشکیل خانواده باید بگویم به اصرار برادرم و زنی سال ۱۳۵۶ ازدواج کردم و سال ۶۰ هم زنی را طلاق دادم... چون به شدت بی پول بودم خانواده ی منم او را با خودش بردند و خلاصه متارکه کردم. از هر گوشه از زندگی اش که می پرسیدم اوضاع بدتر میشد و غم و غصه فضای این گفتگو را سنگین تر میکرد. در سخت ترین روزهای او با بهداشت را تا آنجا که برایش امکان پذیر است رعایت میکنم. برابم تعریف کرد که اکثر اوقات که جیبم خالی است مجبورم از هر جا که میشود مقداری آب تهیه کنم و سرم و بدنم را تا حدی شستشو دهم. صابون و بعضی وقتها هم یک شامپو میخرم و استفاده میکنم. اینها را که توضیح میداد یادم افتاد که تابستانها بارها او را نزدیک یکی از پارک ها هنگام حمام و شستن لباسهایش دیده بودم و این دنیای غیر انسانی را لعنت کرده بودم. حمام در ملا عام!! واقعا تراژیک است اما واقعیت دارد. پیراهنش را در می آورد ولی شلوارش را نمیتواند درآورد چون توی خیابان و در هنگام عبور و مرور مردم نمیشود لخت شد و گرنه به جرم توهین به عفت عمومی بازداشت میشود و واضح است که او زندگی پارکی اش هر چند که با شدید ترین نوع محرومیت توأم باشد را به زندان های رژیم اسلامی ترجیح میدهد. و خلاصه وضعیتش از آن و الزان هم بدتر است. بدون هیچ مستمری و بی پناه سالهاست که هر روز برای زنده ماندن باید مثل يك گلابیاتور بجنگد تا زنده بماند. ابعاد فاجعه بالاتر از این است بشود برای آن مقیاسی تعریف کرد و اندازه گرفت. فقط باید گفت مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد يك جامعه ی آزاد و برابر و انسانی...\*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!



## بله آقای نبوی این ...



محمد آسنگران

مسلمانان را یکی قلمداد کنند. ابتدا عین نقل قول را از زبان خود نبوی بشنویم: "در یک کنفرانس که در بروکسل برگزار شد، یکی از جوانانی که خواستار دفاع از حقوق بشر بود و بتازگی از ایران بیرون آمده بود، در مقابل یکی از سخنرانانی که گفته بود "حکومت ایران مصداق اسلام نیست، بلکه از دین سوء استفاده می کند" با خشم و عصبانیت گفت: "اسلام همین است، قرآن همین است، خشونت و آدمکشی در ذات اسلام است". نبوی در ادامه نوشته اش راهنمایی های داهیهانه خود را چنین بیان میکند: من نیز به آن جوان گفتم "من هم مثل تو دل خوشی از حکومت اسلامی ندارم، (اگر دروغ گو شاخ در می آورد الان نبوی چند متر شاخ روی سر داشت) ولی حتی اگر همین که تو می گوئی هم بود، هرگز آن را به زبان نمی آوردم. (اینرا نبوی صادقانه نوشته است زیرا هیچ وقت نخواسته است حقایق را بیان کند) اگر واقعا اسلام که بیش از یک میلیارد پیرو دارد که بقول تو اکثر آنان خشونت گرا هستند، (این آقای دمکرات معلوم نیست این تفسیر را از کجایش در آورده است، زیرا آن جوان گفته است اسلام خشن است نگفته است مسلمانان یا اکثر آنها خشن هستند) همین باشد که تو می گوئی، حداقل بخاطر اینکه ما در معرض خطر قرار نگیریم، از اینجا برو بیرون. چون احتمالا بخاطر همین توهین تو بزودی اینجا را منفجر می کنند". (پس دم خروس زد بیرون، همان کسانی که قرار است خشن نباشند و نبوی از آنها دفاع میکند میتوانند آن محل را با بمب منفجر کنند)

آقای نبوی بلاخره ما به قسم حضرت عباست باور کنیم یا دم خروس زیر بغلت؟ شما انتخاب کن. نبوی در ادامه این طنازی و بند بازی به این نتیجه رسیده است که: "در چنین دنیایی گفتن این که اسلام دین خشونت است، جز یک دیوانگی چیزی نیست". آقای نبوی بلاخره دیوانگی به این دلیل است که خشونت و قتل و ترور در اسلام غیر واقعی و اتهام است، یا شما از ترس همین تروریستهای اسلامی که

ممکن است محل جلسه شما و آن جوان را منفجر کنند چنین میگوید؟ نوشته شما نشان میدهد که هر دو شق منظورتان است. یعنی هم میترسید که نمایندگان امام زمان آن محل را منفجر کنند، هم مدعی هستید که اسلام دین خشونت نیست. آقای لطف کن اول تکلیف مردم را مشخص کن چون همه نمیتوانند مثل شما بند بازی کنند. بلاخره اگر خشونتی در کار نیست چرا شما از انفجار محل گفتگوتان با آن جوان میترسید؟ اگر احتمال انفجار آنجا بوسیله نمایندگان امام زمان و نیروهای غیبی ممکن است، چرا مدعی هستید که اسلام خشونت طلب نیست؟ جملات بالا عین نقل قول از نوشته آقای نبوی است که سایت جرس هم آنرا تیتیر کرده است. این نمونه یک سیاستمدار اسلامی است. اشتباه نکنید آقای نبوی اینجا را برای طنز و خندیدن نوشته است. نبوی از "عاقلهای" جریان اسلامی است. نوع دیگرش مثل صدیقی است که رابطه زن و زلزله را کشف کرد. اینها عین تئوریهای جدی این بچه حزب الهی و همدست لاجوردی دیروز است که دستهای خونینش را شسته و امروز ژورنالیست اسلامی با پز "دمکرات" تشریف دارند. ما ایرانیها شناس آورده ایم که این قلم بدستان اسلامی و ادیبان "متعهد" آنقدر کودن هستند که حتی عقل اینها هم ندارند که حفظ ظاهر کنند. ولی این بیچاره ها البته راه دیگری هم ندارند. زیرا آش چنان شور است که با این آب قاتی کردهای "دمکراتیک" قابل خوردن نیست. اینکه این جناب طنز سعی کرده است ناشیانه، و با مقایسه های مع الفارق جنایت نزدیک به ۱۵ قرن اسلام عزیزش را لاپوشانی کند اولاً غیر ممکن است. دوما داستان جنگهای پیغمبر اسلام تا داستانهای ذولفقارعلی و تا جنایات غیر قابل تصور عمر و بلاخره امامان و خلیفه های پی در پی اسلام و شاهان صفوی

و قاجار و آخرینشان خمینی و خامنه ای و لاجوردی و موسوی و خاتمی و رفسنجانی و احمدی نژاد و... همگی این ادعا را ثابت میکنند که اسلام دین خشونت است. و البته از این فراتر اساسا دین عین جهالت و خشونت است. آقای نبوی شما بفرمایید: مگر خدا جهنم را برای سوزاندن و عذاب انسانهای نافرمان درست نکرده است؟ اگر اینرا تایید میکنید که حتما جوابتان مثبت است، لطفا بگویید این خدای جبار و جانی که قرار است ما مردمان "گناهکار" و ماتریالیست را با آتش جهنم بسوزاند چه نفعی به حال او دارد؟ چرا این موجود سادیست که آزار دیگران او را خوشحال و راضی میکند ما انسانهای عاقل باید از او تبعیت کنیم؟ میدانم که قرآن نوشته است گناهمان این است عبد او نیستیم و نمیخواهیم عبد هیچ کسی باشیم مگرچرا آزاد زیستن در مکتب اسلام سالیهای سال در آتش سوختن نیست؟ شما بگویید که فلسفه خشونت از کجا ناشی میشود؟ من نوعی چرا باید عبد موجود موهومی به اسم خدا باشم که خامنه ای و خمینی و امامان و خلفای احمقی از نوع آنها به من دستورات این موجود موهوم را دیکته کنند؟ آیه های قرآن هم که همگی دستور کشتار کفار و جهاد و سنگسار و یا رجم و کتک و بی حقوقی را صادر کرده است. آقای نبوی میخواهید کدام یکشان را دمکرات معرفی کنید؟ کتک زدن زنان که رسماً و سیاه روسفید در قرآن کشتار مردان معرفی شده اند یا کشتار غیر مسلمانان را؟ تصاحب زنان و بچه های اسیر میدان جنگ و عقد چهل زن به سبک پیغمبر یا جوی خون راه انداختن با ذولفقارعلی؟ آقای نبوی خود مختار هستید کدام یک را دمکرات معرفی میکنید. فقط قول بدهید مرد رندی را کنار بگذارید و مسلمانان را با خود اسلام یکی قلمداد نکنید. چون دوران میرزا بنویسها تمام شده است در قرن ۲۱ تفکیک این دو مقوله نباید سخت باشد. موضوع دوم این است که نبوی جنایات ۱۵ قرن ایدئولوژی و حاکمان اسلامی را میخواهد با یاد آوری فاشیسم هیتلری و دیکتاتوری استالین همسان و امری عادی و معمول جلوه دهد. با این حال سعی

کرده است که اسلام را دین رحمت معرفی کند. البته منظور نبوی از این همه موش و گربه بازی این است که مخاطب خود را قانع کند که به همان اسلام نوع موسوی و خاتمی و رفسنجانی رضایت بدهند. زیرا به قول ایشان همه مستبد بوده و دیکتاتوری اعمال کرده اند. مشکل اسلام نیست که حاکمان اسلامی دیکتاتور بوده و هستند. و لابد مشکل فاشیسم نیست که هیتلر آن همه جنایت کرد. و مشکل ناسیونالیسم روس نبود که استالین با اتکا به آن حاکمیت سرمایه را احیا کرد. در جواب این ژورنالیست "باشرف" باید بگویم اولاً این فاکتها قابل مقایسه با هم نیستند. دوما بلاخره تئوری و کتابهای مرجع و فاکتها مهم هستند. بلاخره پیروان این مکاتب هر کدام از کدام آبشخور آب خورده اند؟ همه قبول داریم که خمینی، رفسنجانی و خاتمی و موسوی و احمدی نژاد و علی و ابوبکر و عمر و حسین و حسن و امامان بعد از آنها و خلفای راشدین و شاهان صفوی و سلطانهای قاجار و... همگی خود را پیرو کتاب قرآن دانسته اند. در قرآن هم آیه ها و سوره هایی هستند که آشکارا دستور قتل و کشتار و خونریزی داده اند. در مکتب هیتلر هم او به ناسیونالیسم آلمانی اتکا داشته است و برای برتری ملت خود به کشتار هر مخالفی همت گماشته است. استالین هم دقیقاً برای احیا حاکمیت سرمایه به ناسیونالیسم روس پناه برد و جنایت آفرید. بنا بر این در این سه نمونه که آقای نبوی آنها را معیار قرار داده است هر سه یعنی حاکمان اسلامی، هیتلر و استالین به مذهب و ملیت رجوع کرده اند و استبداد و دیکتاتوری و جنایت را برای پیروزی مذهب و ملیت خود آفریده اند. اینکه مذهب و ملیت ایدئولوژیهای کاذب و زمینه ساز جنایات هستند و صدها و هزاران کتاب در توضیح حقانیت جنایات این ایدئولوژیها موجود است و همه آنها به منظور

حفظ مالکیت طبقات دارا خلق شده اند چیزی نیست که قابل انکار باشند. اما سوال اینجا است آیا آقای نبوی میتواند از کتاب کاپیتال مارکس، ترهای فوریرباخ او و مانیفست کمونیست و یا هر کتاب دیگر اوهم دستوری مبنی بر کشتار و جنایت مخالفین بیاید؟ بلاخره تئوری و مرجع این تئوریا مهمند یا نیستند؟ اگر مهم هستند قرآن را در کنار "مابن کمیف یا مبارزه من" هیتلر و کاپیتال مارکس قرار بدهیم آنها را با هم مقایسه کنیم. آقای نبوی خدای شما در دوران زندگی، از ما انسانها عبد بودن و راضی بودن را میخواهد. بعد از مرگ هم دست بردار نیست کسانی که تابع اوامر این جبار نبوده اند باید برای همیشه در آتش جهنم بسوزند. کسانی را هم که دوست دارد به بهشت میبرد و در بهشت هزاران برده جنسی به اسم حوری استخدام کرده است تا در اختیار مردان هم نوع خودش و شبیه شما قرار بدهد. اینها پایه های فلسفه اسلام است. آیا از این فلسفه میشود انتظار مهر و رحم و آزادی و دمکراسی داشت؟

در پایان آقای نبوی لطف کنید و با صراحت بگویید امام اول شیعیان، پسران او حسن و حسین و بلاخره خمینی و لاجوردی و چمران و رجایی و... جزو کدام دسته از این دیکتاتورها و یا دمکراتهای اسلامی مورد نظر شما هستند؟ شما که ظاهراً دمکرات تشریف دارید بفرمایند کشتارهای که با وسعت غیر قابل باور از ۳۰ خرداد ۶۰ تا اواخر ۶۷ با شدت و حدت تمام ادامه داشت را چگونه ارزیابی میکنید. کدام دسته از این مستبدان و دیکتاتورها راس قدرت و تصمیم گیرنده بودند؟ آن دوره موسوی چه نقشی در کشتار مخالفین داشت؟ جناب نبوی در زندان اوین همراه لاجوردی چکار میکردید؟ جواب این سوالات ساده میتواند ما را با افکار آقای نبوی بیشتر آشنا کند.\*

## با نشریه انترناسیونال همکاری کنید

نشریه انترناسیونال را بخوانید و وسیعاً توزیع کنید

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

## ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده در

### محیط کار را گرامی میداریم

کار در رده فراموش شده ترین و آخرین مطالبات کارگران ایران قرار گرفته است.

افزون بر غیرایمنی بودن محیط کار که سالانه هزاران کارگر در ایران را قربانی خود میکند از دیگر سو وجود دستگاه‌های گوناگون انتظامی و امنیتی و حراستی و اطلاعاتی در محیط‌های کار، امنیت روحی و روانی کارگران ایران را پیوسته به مخاطره انداخته است. تحت چنین شرایطی کارگری که می‌خواهد برای پیش‌برد مطالبات خود و بهبود شرایط کار و ایمنی اش قدمی بردارد بلافاصله مورد تهدید، بازجویی و ضرب و شتم نیروهای حراست و انتظامی و امنیتی قرار می‌گیرد و کم نیستند کارگرانی که در طول سالهای گذشته و هم اکنون به دلیل طرح مطالبات خود اخراج و روانه زندان‌ها شده‌اند و آسیب‌های روحی و روانی غیر قابل جبرانی بر آنان و خانواده‌هایشان وارد آمده است.

آمارهای تکان‌دهنده و روند رو به افزایش حوادث ناشی از نبود

در طی چند دهه گذشته قرار دارد. راننده‌ای که در پشت فرمان اتوبوس در هوای بسیار آلوده کار میکند، کارگران معادن، پالایشگاه، پتروشیمی، ماشین سازی، معلمی که تدریس میکند تا کارگر کشاورزی و همه و همه از این قاعده مستثنی نیستند و زنان و کودکان کارگر جدا از این که به دلیل انجام کارهای سخت و زیان‌آور قربانی حوادث شغلی می‌شوند، همچنین قربانی آزار و اذیت جنسی برخی کارفرمایان و همکاران مرد خود نیز می‌گردند.

وجود میلیون‌ها کارگر بیکار، تحمیل قرار دادهای موقت بر کارگران، نبود امنیت شغلی و بختک اخراج سازی و تعطیلی یکی پس از دیگری شرکت‌ها و کارخانجات آنچنان سایه شوم خود را بر سر کارگران انداخته است که امروزه پیدا کردن شغل، حفظ آن و تلاش برای بدست آوردن لقمه نانی به اولویت اول زیست کارگران در ایران تبدیل شده است، بطوریکه در این میان مطالبات مربوط به بهداشت و ایمنی

۲۸ آوریل برابر با هشتم اردیبهشت ماه روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده است. امسال نیز سازمان‌های کارگری همانند دیگر سالها در بیش از صد کشور در سراسر جهان با برپایی مراسم‌های همدردی با کارگران کشته شده و آسیب دیده در محیط کار، خواهان بهتر شدن قوانین ایمنی کار و مجازات صاحب کارانی خواهند شد که مسبب مرگ و یا نقص عضو کارگران در محیط کار شده‌اند.

کارگران در این روز در سراسر دنیا به یاد همکاران قربانی خود، کارزار همبستگی و گرامی داشت و همدردی با خانواده‌های کارگران قربانی را به راه خواهند انداخت و برنامه‌های آموزشی و اعتراضی گوناگونی را علیه سیاست‌ها و قوانینی که باعث قربانی شدن میلیون‌ها کارگر در سال می‌شود سازمان خواهند داد.

کارگران ایران در شرایطی این روز را گرامی میدارند که وضعیت ایمنی در محیط‌های کار در بدترین شرایط

## اعتصاب مهم کارگران مجتمع پتروشیمی در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

۱۰۰ نفر از کارگران روز کار صبح روز چهارشنبه با تجمع در محوطه کارخانه اعلام کردند که تا رسیدن به خواسته‌های خود بر سر کار حاضر نخواهند شد. بلافاصله حراست دست بکار شد و از کارگران خواست که به سر کار بروند. مدیریت نیز از کارگران خواست که به سر کارشان بروند ولی کارگران با تاکید بر خواسته‌های خود اعلام کردند که بر

۳- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل  
۴- لغو کم کردن ساعت وقت نهار (یک ساعت) از کارکرد روزانه کارگران  
۵- لغو بخشنامه داخلی کسر بیشتر از قانون مالیات از حقوق کارگران. شرکت در ماههای اخیر دلخواهی اقدام به کم کردن حقوق کارگران بیش از آنچه قوانین مالیاتی تعیین کرده است میکند.

کارگران شیفت روز بخش تعمیرات پتروشیمی فجر ۱ (شرکت رامکو) در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر در روز چهارشنبه اول اردیبهشت با اعلام خواسته‌های زیر دست به اعتصاب زدند:  
۱- لغو قراردادهای موقت سه ماهه  
۲- پرداخت حقوق‌های معوقه (حقوق اسفند ۸۸ و بخشی از حقوق بهم‌ماه)

## گزارشی کوتاه از سخنرانی در دانشگاه گلدسمیت لندن و شرکت کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در این سخنرانی

محبوبی سخنگوی کمیته به تفصیل در مورد وضعیت زندانیان سیاسی و شکنجه‌هایی که در زندان اعمال میشود صحبت کرد. در این بخش شیوا همچنین به مقاومت و اشکال اعتراضی زندانیان سیاسی در زندان، مبارزات مردم و مشخصا خانواده‌های زندانیان سیاسی و گسترش خواست آزادی زندانیان سیاسی اشاره

همبستگی ایران و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مشترکا برگزار شد. در این جلسه ابتدا کارل دروت از طرف "دانشجویان برای همبستگی ایران" صحبت کرد؛ وی ضمن معرفی گروه‌شان به اهمیت ضرورت فعالیت در رابطه با ایران و بلاخص دانشجویان اشاره کرد. سپس شیوا

در ادامه فعالیت‌های کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در جهت انعکاس وضعیت زندانیان سیاسی و جلب حمایت مردم، روز سه شنبه ۲۷ آوریل جلسه سخنرانی در دانشگاه گولدسمیت در لندن انگلستان برگزار شد. این جلسه توسط عفون بین الملل گولد سمیت، دانشجویان برای

گرامی میداریم و با اعتراض به شرایط وخیم نبود ایمنی در محیط‌های کار ضمن اعلام همدردی با عموم کارگران آسیب دیده و خانواده‌هایشان در ایران و سراسر جهان، خواهان بکارگیری بالاترین استانداردهای ایمنی در محیط کار هستیم و سیستم موجود را مسئول بلاواسطه قربانیان حوادث ناشی از کار میدانیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه اتحادیه آزاد کارگران ایران هیئت بازگشایی سندیکای فلز کار و مکانیک هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری کمیته هم‌هانگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقر شورای زنان

خواسته‌هایشان مصر هستند و تا به هدفشان نرسند سر کار نخواهند رفت. در پی این وضعیت بحرانی و بویژه با توجه به اهمیت نقش این کارگران در مجتمع فجر به مشابه مجتمعی محوری در منطقه که تامین کننده برق، آب و سایر مواد پشتیبانی ۱۵ مجتمع در منطقه میباشد، مسئولین حراست منطقه ویژه و حتی استان نیز در محل حضور پیدا کردند و در نهایت با قول مساعد به کارگران در ساعت ۱۱

اطلاعات و آموزش ایمنی در محیط کار در طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که اساسا صیانت و حفاظت از جان کارگران و زحمتکشانشان و پاسخگویی به مطالبات عادلانه آنان و بهبود شرایط کار در دستور کار سیستم موجود قرار ندارد و روند چاره‌جویی و پیشگیری برای کاهش حوادث شغلی برای مجموعه سیستم مدیریت و قانون‌گذار از ذره‌ای اهمیت برخوردار نیست.

در این میان محرومیت کارگران ایران از تشکلهای مستقل خود، یکی از حلقه‌های اصلی مجموعه عواملی است که امروزه کارگران ایران را در چنین موقعیت آسیب‌پذیری در رابطه با وجود ایمنی در محیط کار قرار داده است. وجود تشکلهای مستقل کارگری و آموزش در محیط کار یکی از حیاتی‌ترین ابزارها جهت بهبود شرایط کار و کاهش حوادث شغلی است که از دیگر سو میتواند باعث تغییراتی بنیادی در وضعیت کنونی طبقه کارگر ایران بشود.

ما همراه و همگام با کارگران جهان ۲۸ آوریل روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده و روز اعتراض به نبود ایمنی در محیط کار را

کردلای در رابطه با حمایت‌های بین المللی و ضرورت تشدید فشار بر رژیم اسلامی و اقدامات در این زمینه صحبت کرد. در خاتمه شیوا محبوبی از شرکت کنندگان خواست که به کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی بپیوندند. در ادامه جلسه در رابطه با وضعیت زندانیان سیاسی در ایران، اقدامات عملی در حمایت از آنها و برنامه‌های آتی بحث و تبادل نظر شد.



شیوا محبوبی و سخنرانی در دانشگاه گلدسمیت لندن

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۲۷ آوریل ۲۰۱۰

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## برای رساتر کردن صدای انقلاب مردم ایران در صف جهانی کارگران فعالانه شرکت کنید!



### سوئد: گوتنبرگ

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری در گوتنبرگ از ساعت ۸ صبح تا ۳ بعد از ظهر چادری اطلاعاتی در مرکز این شهر برپا میکند و سخنرانان حزب در آنجا به مناسبت اول مه و با تاکید بر ضرورت همبستگی جهانی با انقلاب مردم ایران و اعتراضات کارگران سخنرانی خواهند داشت و در مارش اول مه در این شهر شرکت خواهند کرد. مکان: Jarntorget

### استکهلم:

به مناسبت اول مه از ساعت یازده صبح در مرکز شهر در محل kungstredgorden میزهای اطلاعات حزب گذاشته میشود. ساعت ۱۲ از محل medborgarplatsen همراه احزاب چپ در سوئد و انسانهای آزادیخواه همراه با مارش اول مه راهپیمایی شروع میشود.

### انگلیس:

در انگلیس روز شنبه ۱ مه ساعت ۱۰ صبح در میدان Clerkenwell Green تجمع میکنیم و در ساعت ۱۲ همراه با مارش اول مه تا میدان ترافالگار حرکت میکنیم. در محل ترافالگار میز اطلاعاتی حزب را خواهیم داشت و سخنرانان حزب سخنرانی میکنند. این شروع میشه.

### فرانسه، لیون:

در شهر لیون فرانسه ساعت ۱۰ و نیم روز اول مه در پلاس ژان ژورس فعالین حزب در این شهر در این راهپیمایی شرکت میکنند و اطلاعاتی ها و فراخوانهای حزب را در میان جمعیت توزیع میکنند.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگران زنده باد همبستگی با انقلاب آزادیخواهان مردم ایران تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۷ آوریل ۲۰۱۰

حمایت مردم را از انقلاب مردم ایران و مبارزات کارگران مبارزات کارگران در ایران جلب کنیم.

۲- به فراخوان واحدهای حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری چپ عراق و حزب کمونیست کارگری ایران در شرق کانادا مراسمی به مناسبت اول مه برگزار میشود. سخنرانان:

رحمان نجات از حزب کمونیست ایران  
عصام شکری: از حزب کمونیست کارگری چپ عراق  
حمید تقوایی: از حزب کمونیست کارگری ایران

فرید پرتوی: عضو شورای پشتیبانی از مبارزات مردم ایران و فعالین جنبش کارگری

موزیک زنده: فریدون فرهی، آناهیتا کاظمی، با هنرنمایی افتخاری چکاوک  
زمان: شنبه اول مه از ساعت ۷ تا ۱۲ شب  
مکان:

Commander Blvd 140  
(Mc Cown Rd & Commander Blvd north of Sheppard)

تلفن های تماس:  
0016474494120  
0014168586974  
0014164717138

**اول ماه مه در اسلو، نروژ**  
واحد نروژ تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران از همه ایرانیان نروژ دعوت می کند که برای هر چه رساتر کردن صدای انقلاب مردم ایران و برای جلب همبستگی و حمایت کارگران و مردم نروژ از جنبش انقلابی کارگران، زنان، جوانان و مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی در تظاهرات اول ماه مه که از طرف اتحادیه های کارگری برگزار میشود، شرکت کنند. در این روز از ساعت دوازده ظهر میز اطلاعاتی حزب که اطلاعاتی از مبارزات مردم و کارگران ایران و عکسهایی از کارگران زندانی است، دایر میشود. همچنین پتی شنی تهیه شده که برای امضا در اختیار بازدید کنندگان از این میز گذاشته میشود تا با امضای آن همبستگی خود را با انقلاب مردم ایران اعلام کنند. لازم به یادآوری است که بعد از تماس هیات کمیته همبستگی کارگری با اتحادیه ترانسپورت نروژ، رییس این اتحادیه اعلام داشت که یک تم سخنرانی او در اول مه حمایت از

مبارزات کارگران در ایران جلب کنیم.  
زمان: روز شنبه، اول ماه مه از ساعت ۱۱ صبح  
مکان برای اطلاعات بیشتر:  
Saber Rahimi  
rahimi37@yahoo.com  
0047-98 69 40 01

**اول مه در هلند**  
فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در هلند از ساعت ۲ تا ۶/۵ بعد از ظهر در محل بورس پلیس آمستردام جمع میشوند. این محل از سوی کارگران شهرداری هلند که در اعتصاب بسر میبرند تعیین شده است و فعالین حزب در حمایت از اعتصاب کارگران، اول مه را در آنجا خواهند بود. به درخواست کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران، یکی از اعضای این کمیته از جمله سخنرانان این مراسم خواهد بود. تم این سخنرانی فراخوان به همبستگی با انقلاب مردم ایران و مبارزات کارگران در ایران است.

**فنلاند / تامپره**  
مراسم مارش روز جهانی کارگر، شنبه اول ماه مه ساعت ۱۱ و نیم با راهپیمایی در خیابانهای مرکزی شهر آغاز و سپس در ساعت ۱۳ با سخنرانی در مرکز شهر تامپره ادامه خواهد داشت.  
در این مراسم و به دعوت حزب کمونیست فنلاند، عبدل گلپریان از حزب کمونیست کارگری ایران یکی از سخنرانان این مراسم خواهد بود.  
محل تجمع برای حرکت مارش اول مه Sorin aukiolla klo 11, lähte klo 11.30  
محل سخنرانی مرکز شهر تامپره Vanhan kirjastotalon klo 13.00

**واشنگتن دی سی:**  
روز شنبه اول مه در ساعت ۱۲ ظهر تظاهراتی در جلوی دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی واقع در خیابان ویسکانسین واشنگتن دی سی برگزار میشود. تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران از همه دوستان تقاضا میکند برای هر چه باشکوه تر کردن این مراسم و افشای جنایات جمهوری اسلامی در این برنامه حضور بهم رسانند.

DGB برگزاری میز اطلاع رسانی در خیابان ۱۷ یونی، شرکت در راهپیمایی گروههای آنتی فاشیست از ساعت ۶ عصر  
تلفن تماس  
0176 24866317

**برمن:**  
شرکت در راهپیمایی اول مه از ساعت ۱۰ صبح، برگزاری میز کتاب در محل تجمع مرکزی  
تلفن تماس  
0173 2050584

**کلن:**  
شرکت در راهپیمایی اول مه و برگزاری میز کتاب از ساعت ۱۰ صبح در محل Heumarkt  
تلفن تماس  
0177 3600963

**هامبورگ:**  
شرکت در راهپیمایی اول مه از ساعت ۱۰ صبح در راهپیمایی مرکزی کارگران در شهر هامبورگ

**هانوفر:**  
برپایی میز کتاب در محل برگزاری مراسم مرکزی اول مه از ساعت ۸ صبح تا ۴ عصر واقع در Klagesmarkt  
تلفن تماس  
0177 8348592

**کانادا، ونکوور:**

روز شنبه اول ماه مه به فراخوان "شورای کارگران ونکوور و حومه" تظاهراتی در این شهر صورت خواهد گرفت. در این تظاهرات علاوه بر مسائل و خواسته های کارگران در کانادا و جهان، مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و وضعیت کارگران ایران از مسائل مورد توجه برگزار کنندگان این تظاهرات است.

راهپیمایی: ساعت ۱۲ ظهر - پارک کلارک خیابان کامرشیل و خیابان ۱۳ تظاهرات: ساعت ۱ - پارک گرنودیو خیابان کامرشیل و چارلز  
تلفن  
0 604.727.8986

**تورنتو:**  
تشکیلات خارج کشور حزب در تورنتو به مناسبت اول مه دو برنامه تدارک دیده است:

۱- شرکت فعال در برنامه سازمان "هیچکس غیر قانونی نیست" به مناسبت اول مه و برپایی تظاهرات و راهپیمایی در این روز. تلاش میکنیم

لیست راهپیمایی های اول مه در کشورهای مختلف: کلن، فرانکفورت، برلین، برمن، هامبورگ، ونکوور، تورنتو، نروژ، هلند، فنلاند، واشنگتن، گوتنبرگ، استکهلم، انگلیس، فرانسه

اول مه روز جهانی کارگر فرا میرسد و کارگران و مردم در شهرهای مختلف ایران با شور و شوق در تدارک برپایی روزی هرچه قدرتمند تر و پر صلابت تر بر علیه جمهوری اسلامی اند. در سراسر جهان نیز اجتماعات اول مه برپا میگردد. این فرصتی است تا با شرکت وسیع خود هم انقلاب در ایران را تقویت کنید و هم از صف عدالتخواهی و انسانیت کارگران حمایت کنید. این فرصتی است تا در این اجتماعات قطعنامه مصوب ده تشکل کارگری در ایران قرائت شود و حمایت جهانی از انقلاب مردم ایران گسترده تر گردد. شما را فرامیخوانیم تا با در دست داشتن پلاکاردها و عکس های مربوط به مبارزات قهرمانانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، همراه با تشکیلات های حزب کمونیست کارگری در کشورهای مختلف در تظاهرات های اول مه که لیست برخی از آنها در زیر می آید شرکت کنید.

**فرانکفورت:**

دو برنامه، برنامه اول روز جمعه ۳۰ آوریل شامل سخنرانی، نمایش فیلم در مورد وضعیت کارگران و مبارزاتشان همراه با موزیک زنده از ساعت ۷ عصر در محل ÖKOHAUS Kasseler Str. 1a. Westbahnhof-Frankfurt

تلفن تماس

0157 81688732

برنامه دوم روز شنبه اول ماه مه شامل شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر، برپایی میز اطلاع رسانی در محل مراسم مرکزی اول مه در شهر فرانکفورت

**برلین:**  
شرکت در راهپیمایی اول مه از

ساعت ۹ صبح در محل Wittenbergplz جلوی ساختمان

## فراخون ده تشکل کارگری ایران: قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز اعتراض جهانی کارگران به فقر و فلاکت و نابرابری است. در این روز میلیونها کارگر در سراسر جهان دست از کار می کشند، خیابانها را به تسخیر خود در می آورند و با اعلام خشم و انزجار از مصائب بی شماری که نظام سرمایه داری بر بشریت تحمیل کرده است، رهائی از ستم و استثمار و بر پائی دنیائی بهتر را فریاد میزنند. طنین اعتراض به مشقات نظام سرمایه داری و برابری خواهی کارگران در اقصی نقاط جهان در حالی در روز اول ماه مه پهنه گیتی را در برمیگیرد که علاوه بر ممنوعیت برگزاری مراسم این روز در ایران، هم اکنون بسیاری از کارگران برگزار کننده مراسم اول ماه مه سال ۸۸ یا به زندان محکوم شده اند و یا در معرض صدور احکام سنگین قضائی قرار دارند و دهها تن از فعالین و رهبران کارگری به جرم برپائی تشکلهای کارگری و دفاع از حقوق انسانی شان در زندانها بسر میبرند.

تحمیل چنین ابعاد وحشتناکی از بی حقوقی اجتماعی بر کارگران ایران در شرایطی است که سیستم سرمایه داری ایران پس از گذشت سه دهه از انقلاب بهمن ۵۷، دستمزد کارگران را به یک چهارم مبلغ زیر خط فقر تقلیل داده و با عدم پرداخت بوجه این دستمزدها و اخراج و بیکار سازی توده های عظیمی از کارگران و رواج قراردادهای موقت و سفید امضا شرایط به غایت جهنمی را بر میلیونها خانواده کارگری تحمیل کرده است و امروزه برای تضمین بیش از پیش سود آوری سرمایه با به تعطیلی کشاندن کارخانه ها و طرح قطع یارانه ها در صدد است تا آخرین لقمه ها برای زنده ماندن میلیونها خانواده کارگری را از سفره آنان به جیب صاحبان سرمایه سرازیر کند. اما همانگونه که ما کارگران ایران در انقلاب بهمن ۵۷ و سالهای اخیر نشان دادیم تاب تحمل اینهمه فلاکت و بی حقوقی را نخواهیم آورد و علیرغم زندان و سرکوب، پیشاپیش عموم مردم ایران در مقابل لگد مال شدن بدیهی ترین حقوق انسانی خود

ایستادگی خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. ما تولید کنندگان اصلی تمامی ثروتها و تعمتات موجود در جامعه هستیم و داشتن یک زندگی انسانی مطابق با بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز را حق مسلم خود و عموم توده های مردم ایران میدانیم. در این راستا ما ضمن اعتراض به وضعیت موجود که از روز جهانی کارگر سال گذشته به این سو کارگران و عموم توده های مردم ایران را بیش از پیش در معرض سرکوب و تحمیل بی حقوقی قرار داده است بر تحقق

مطالبات زیر پای می فشاریم و خواهان تحقق فوری و بی قید شرط همه آنها هستیم:

۱- برپایی تشکل های مستقل از دولت و کارفرما، اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ما است و این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند

۲- ما طرح قطع یارانه ها (هدفمند کردن یارانه ها) و حداقل دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و خواهان توقف فوری طرح قطع یارانه ها و افزایش حداقل دستمزدها به یک میلیون تومان هستیم

۳- دستمزدهای معوقه کارگران باید

فوراً" و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

۴- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند

۵- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، تامین امنیت

شغلی کارگران و تمامی مزد بگیران، رعایت بالاترین استاندارد های بهداشت و ایمنی کار و بر چیده شدن تمامی نهادهای دست ساز دولتی از محیطهای کار هستیم

۶- ما خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط ابراهیم مددی، منصور اسالو، علی نجاتی و کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی از زندان و توقف پیگرد های قضایی علیه آنان هستیم.

۷- ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری و اعتراضات مردمی، اعتراض به هر گونه بی حقوقی و ابراز عقیده را حق مسلم و خدشه نا پذیر کارگران و عموم مردم می دانیم

۸- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق

زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

۱۰- کار کودکان باید محو گردد و تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی



والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و زادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان برخوردار شوند

۱۱- ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های اجتماعی آزادی خواهانه اعلام می داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً محکوم می کنیم

۱۲- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه، خود را متحد آنها می دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان

هستیم

۱۳- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هر گونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم

۱۴- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهائی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم

۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

زنده باد اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

۱ مه ۲۰۱۰

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۹

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه اتحادیه آزاد کارگران ایران هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار و مکانیک هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقز

شورای زنان

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

زنده باد سوسیالیسم!